

دکتر سیاوش گلابی

نگرشی جامع و نظام‌گرا به امر تحقیق و توسعه

مقدمه:

درف بینی در روندهای بفرنج و پیچیده پدیده‌های اقتصادی-اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و شناخت و درک صحیح و دقیق قانونمندیهای عام حاکم بر روند تکاملی جامعه، به منظور ترسیم خطوط کلی تحولات آینده، ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

در دنیای امروز که علم و تکنولوژی با رشد و گسترش وسیع و جهانشمول، به عنوان عوامل مهم و اساسی در فرایند رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع بشری به حساب می‌آیند، نهادها و نظام‌های آموزشی و پژوهشی نقشی بس عظیم و پراهمیتی بدست آورده‌اند.

نظام‌های آموزشی-پژوهشی در یک جامعه معین را باید در تأثیر و تأثرات متقابل با سایر نهادها و نظام‌های اقتصادی، اجتماعی و به ویژه نهاد دولتی و سیاسی مورد ارزیابی و تحلیل همه‌جانبه قرار داد. پویایی و تحول یا رکود و تحجر نظام‌های آموزشی و تحقیقاتی و ارزشیابی مجموعه عناصر آنها باید با چنین مفهوم و نگرش جامعی صورت پذیرد.

نهادهای اجتماعی عمدتاً دارای نقش دوگانه و بعضاً متناقض و متضاد می‌باشند. هم نقش ایستائی و بازدارنده ایفای کنند و هم نقش متحول‌کننده و پویا، لیکن نظر به قانونمندی عام تکامل اجتماعات بشری نقش غالب و مسلط از آن خصلت پویائی و تکاملی نهادهای اجتماعی است. در این رابطه

است که نقش انسان‌ها در پروسه تحولات اجتماعی مشخص می‌شود. انسان با درک و شناخت علمی قوانین حاکم بر پدیده‌های جامعه، راه تکامل خود و جامعه را هموار می‌سازد. عامل انسانی عنصر اساسی تحول و تکامل است. مقوله توسعه اقتصادی - اجتماعی عبارت است از رشد کمی تولیدات و خدمات و تحول کیفی بافت اجتماعی جامعه و توزیع متعادل‌تر ثروت و درآمد و زدودن پدیده‌های نابرابر فقر و محرومیت، بیکاری و بی‌خانمانی و تأمین رفاه عمومی و ترقی فرهنگی.

رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی در هر جامعه معین فرایند بفرنج و پیچیده‌ای است که تحقق آن با برنامه‌ریزی جامع امکان‌پذیر خواهد بود. برنامه‌ریزی در حقیقت مجموعه اقدامات سازمان‌یافته‌ای است که با هماهنگی، جمع‌بندی و تلفیق مطلوب و بهینه کلیه امکانات فیزیکی، مادی و انسانی، جامعه را به سوی اهداف مورد نظر و در مدت زمان مشخص هدایت می‌کند. بررسی عوامل تاریخی که در عدم تحقق رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی کشورهای جهان سوم از جمله ایران مؤثر بوده‌اند، پی‌بردن به کاستی‌ها و نارسائیهای نظام آموزشی - پژوهشی دوران گذشته و تجزیه و تحلیل ساختار موجود آن اولین مرحله در این راستا به حساب می‌آید در صفحات بعد به این مهم پرداخته خواهد شد.

ویژگیهای توسعه اقتصادی - اجتماعی کشورهای در حال رشد

یکی از وجوه تفارق عمده بین جهان صنعتی (پیشرفته) و جهان سوم (یا کشورهای در حال توسعه) از جمله ایران در عرصه مسائل رشد و توسعه اقتصادی - صنعتی که قابل یادآوری می‌باشد اینست که فرایند توسعه اقتصادی در جوامع صنعتی کنونی - عمدتاً از مکانیسم و پویائی درونی این کشورها (بدون رادع و مانع خارجی) مایه گرفت و تحقق پذیرفت. حال آنکه پروسه تحولات اقتصادی و اجتماعی در جهان سوم (به‌علل تاریخی متعدد) روند طبیعی خود را نیپمود و مسیرهای پرتضاریس بیشماری را طی کرد.

ساختار اقتصادی اغلب کشورهای در حال رشد بر پایه تولید مواد اولیه (نظیر نفت، مس، آهن و ...) برای اقتصاد مسلط کشورهای خارجی استوار است. بخش تولیدکننده مواد اولیه این کشورها بخش اصلی تأمین‌کننده ارز نیز به حساب آمده و در عین حال سرمایه مورد نیاز خود را از کشورهای متروپل (کشورهای پیشرفته صنعتی) تأمین مینماید.

امتزاج سرمایه‌های داخلی با سرمایه‌های انحصاری کشورهای پیشرفته خارجی در جهان سوم باعث توزیع نامتعادل ثروت در درون این جوامع شده و در نتیجه شکاف عمیقی در ساخت اجتماعی جامعه بوجود آورده و فقر و محرومیت و سایر بدیده‌های نابراب اجتماعی را باعث شده و ترویج ارزشهای مبتذل فرهنگی را دامن زده است.

بدین ترتیب اقتصاد ناتوان در اغلب کشورهای در حال توسعه بصورت زائده اقتصاد مسلط جهان صنعتی درآمده و نقش حاشیه‌ای و فرعی در کنار آن بازی می‌کند.

رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی در حقیقت بمعنی تکامل ابزار، روشها و اسلوبهای تولید کالا و ارائه خدمات است که دارای خصیصه ایجادگری، سازندگی و نوآوری می‌باشد.

تحقق چنین پروسه‌ای تنها در فضای غیر وابسته اقتصادی و استقلال سیاسی و با برنامه‌ریزی و بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای علمی و فنی و با همکاری و مشارکت طیف وسیعی از کاشناسان، محققان، مدیران، مهندسان، تکنسین‌ها و کارگران ماهر و با همگامی آگاهانه و متعهدانه مردم یک جامعه امکان‌پذیر خواهد بود.

در راستای تحقق فرایند توسعه اقتصادی - اجتماعی در کشورهای در حال توسعه، پایه‌ریزی اقتصاد صنعتی مستقل، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این بدان جهت است که عوامل درونی اقتصاد صنعتی (که بر بهره‌گیری از دستاوردهای علوم و تکنولوژی استوار است) پویایی کل اقتصاد جامعه را در گستره وسیعی ممکن خواهد ساخت.

در این رابطه برنامه‌ریزی در جهت تحقق اهداف کلی زیرین

ضروری است:

- ۱- تغییر ساختار صنایع از ساخت برون گرا و منفصل به سمت ساخت درون گرا و متصل که عوامل تغذیه کننده عناصر درونی خود را از درون صنایع گوناگون داخلی تأمین کند (راهبرد توسعه مبتنی بر صنایع سنگین، مادر و صنایع واسطه‌ای).
- ۲- افزایش نقش دولت در عرصه‌های اقتصادی.
- ۳- گسترش اقتصاد صنعتی به مثابه موتور محرک و پویایی کلیه بخش‌های تولیدی و خدماتی.
- ۴- توسعه اقتصاد صنعتی و نتایج و دستاوردهای آن در دیگر گونی ساختار اقتصاد کشاورزی و برقراری روابط متقابل و تنگاتنگ اقتصاد صنعتی درون گرا و متحرک با اقتصاد کشاورزی امری مهم و اساسی است.

ترقی علمی- تکنولوژیکی اساس توسعه اقتصادی- اجتماعی

رشد و توسعه اقتصادی- اجتماعی و تکامل اقتصاد صنعتی در جوامع پیشرفته کنونی جهان بدون رشد و ترقی علمی- فنی (به خصوص انقلابات علمی و نوآوریها و اختراعات و اکتشافات متعدد) امکان پذیر نمی‌توانست باشد. بررسی و مطالعه سیر تکوینی علوم و تکنولوژی و تأثیر متقابل آنان روشن می‌سازد که رشد شتابان اقتصاد صنعتی در کشورهای پیشرفته دقیقاً و مشخصاً در راستای رشد علوم و تکنولوژی و در پیرویه پیچیده تأثیرات متقابل پدیده‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تحقق یافته است.

در کشورهای در حال توسعه (از جمله ایران) گسترش دامنه علوم و تکنولوژی و پژوهش و تحقیقات علمی- فنی به عنوان اساسی‌ترین موضوع در فرایند رشد و توسعه اقتصادی- اجتماعی به حساب می‌آید. پژوهش علمی- فنی ابزار قدرتمندی برای متحول ساختن هر جامعه محسوب می‌شود. مقوله رشد و توسعه اقتصادی- اجتماعی و بموازات آن ترقی علمی-

فنی، مجموعه‌های بهم پیوسته و جدائی ناپذیر اند. رشد علوم و فنون در پرتو برنامه‌ریزی جامع آموزشی- پژوهشی تحقق می‌پذیرد و به نوبه خود در رشد ستابان اقتصاد صنعتی جامعه مؤثر می‌افتد و رشد اقتصادی- اجتماعی به نوبه خود زمینه لازم برای رشد بیشتر علوم و فنون را فراهم می‌سازد. دانش و تکنولوژی از عناصر پویای فرایند توسعه به شمار می‌روند. در عین حال هم علت توسعه‌اند و هم معلول آن. مکانیسم عمده و اساسی این سیکل به هم پیوسته و مجموعه عوامل فوق‌الذکر را باید در پایه‌ریزی نظام نوین آموزشی- پژوهشی و تحکیم نهادهای تحقیقاتی در عرصه فعالیت‌های کلی جامعه جستجو کرد.

کشورهای جهان سوم که سردای استقلال کامل، ادرس دارند و می‌خواهند در سازندگی جهان آینده بر پایه عدالت، بهزیستی و حیثیت و اعتبار همه ملت‌ها نقشی درخور اهمیت ایفاء کنند و در حاشیه سیر خروشان حرکت تکاملی تاریخ عاجز و درمانده نباشند، باید گسترش علوم و تکنولوژی و تحکیم زیر- بنای علمی- پژوهشی را وجه همت خود سازند.

این رسالت برای جامعه ما ایران که از یک پیشینه فرهنگی عظیم ملی و اسلامی برخوردار است اهمیت بنیادی دارد.

پایه‌ریزی نهادهای علمی- پژوهشی در جوامع در حال رشد (و از جمله ایران) همچنین به عمل زیر لازم و حیاتی است:

۱- از آنجائیکه ساختار صنعتی در بسیاری از کشورهای جهان سوم به نظام علمی- فنی کشورهای مسلط صنعتی وابسته است، رشد و ترقی علوم و فنون و پایه‌ریزی زیر بنای آموزشی- پژوهشی در این جوامع توان آنها را برای حل مسائل پیچیده علمی- صنعتی افزایش می‌دهد و همچنین آنها را در جذب و بکارگیری مؤثرتر تکنولوژی وارداتی قادر می‌سازد و امکان ارتقاء و گسترش سطح علمی- تکنولوژی صنایع موجود را (با تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآمد) فراهم می‌کند.

۲- در راستای تحقق یک برنامه‌ریزی کلی در کشور، بررسی امور اقتصادی و شرایط جغرافیائی و طبیعی، مواد اولیه، سرمایه، نیروی انسانی و

پایه‌ریزی يك نظام علمی سرپرستی و مدیریت با توجه به ارزشهای فرهنگی و اجتماعی مردم و مطالعه ویژگی‌های هر يك از این عناصر و تلفیق مطلوب مجموعه این عوامل و تطبیق آن با شرایط خاص کشور نیاز به انجام یکسری مطالعات تحقیقاتی دارد.

۳- تفاوت فاحش بین سطح علمی - فنی و تحقیقاتی جهان پیشرفته صنعتی و کشورهای در حال توسعه متأسفانه عامل القاء نوعی یأس در ساختار اندیشه و تفکر اندیشمندان و محققین جهان سوم شده و آنان را ناامید از ترمیم این شکاف کرده است. حال آن که چنین برداشتی با طبیعت و مضمون رشد و ترقی علمی - فنی چندان سازگار و همخوان نیست.

پیشگیری روند تکامل علوم و فنون در جهان نشانگر آن است که این سیر ترقی در مراحل از تکامل، نوعی حرکت جهشی و پرتابی پیدا می‌کند. به عبارت بهتر، فرایند رشد علوم و تکنولوژی، سیری بطئی و کند نیست، بلکه در مراحل و مقاطعی سیر علوم و فنون بصورت انفجاری، شتاب‌آور و جهشی بوده است.

مجموعه دستاوردهای علمی و فنی انسان تا انقلاب صنعتی در غرب (تافرون ۱۷ و ۱۸ میلادی قریب ۲۰ قرن) در برابر دامنه گسترده و وسیع علمی و فنی در یکی دو قرن اخیر (بمثابه قطره‌ای در برابر دریا) گواه این مدعا است.

یه همین اعتبار باید پذیرفت که تحولات علمی و فنی در آینده به مراتب وسیع‌تر و گسترده‌تر از سده‌ها و دهه‌های پیشین خواهد بود. بنابراین علیرغم رشد فوق‌العاده علمی و فنی در جهان هنوز در نیمه‌های این راه طویل قرار داشته و هنوز امکان مشارکت کشورهای جهان سوم در این راستا وجود دارد. چه در این مراحل تکامل جهشی علوم و فنون، هر لحظه در آغاز راه هستیم.

نکته اساسی و اصلی که با نگرش سیستمی و جامع به مجموعه پدیده‌ها و عوامل مؤثر در روند توسعه اقتصادی - اجتماعی در کشورهای در حال توسعه حائز اهمیت بسیار می‌باشد، اینست که چگونگی طراحی، تدوین و اجرای نظام توبین آموزشی - پژوهشی و نتیجه عمده حاصله از این فرایند (مانند تحکیم

و تقویت زیرساخت علمی - فنی و تحقیقاتی جامعه) لزوماً به ساختار نظام سیاسی از یکطرف و به بنیان اقتصادی، مالی و ساختمان تولیدی هر کشور معین از طرف دیگر ارتباط پیدا میکند. شناخت و تحلیل اثرات متقابل سه عنصر اساسی یعنی نهاد دولت، نهادهای اقتصادی و تولیدی و نهادهای آموزشی - پژوهشی بمثابة سه رأس يك مثلث از اهمیت خاصی برخوردار است.

تأثیر متقابل سه عنصر عمده یادشده، در عین حال در قالب ارزشهای اجتماعی و فرهنگی هر جامعه بهم پیوند می یابند و درهم می آمیزند.

از اینرو توجه جدی به بافت اجتماعی - فرهنگی یعنی مجموعه اعتقادات ارزشها، هنجارها، ضوابط و مقررات حاکم بر هر جامعه معین اهمیت اساسی دارد. زیرا بدون تحولات لازم در ساختار اجتماعی و فرهنگی و پذیرش و درک ضرورت پایه ریزی نظام علمی - آموزشی و تحقیقاتی توسط افراد جامعه تحقق هر گونه اقدامی در این رابطه با موانع جدی مواجه خواهد شد.

تحلیل مختصات نظام آموزشی - علمی و پژوهشی

در جهان کنونی که ترقی و رشد علوم و تکنولوژی، عرصه های مختلف اجتماعات بشری را دگرگون و متحول نموده نقش «انسان» این متکاملترین عنصر جهان هستی و خلقت نمود بارزتر می یابد. «انسان» با قدرت تعقل و تفکری که خداوند در نهاد وی به ودیعه گذاشته جهان پیرامون خود را درمی یابد، قانون مندی حاکم بر طبیعت و جامعه و تفکر را باز می شناسد و از خلال این تأثیرات متقابل راه تکامل خود و مسیر بالندگی و توسعه جامعه را هموار میسازد.

نظر به اصل پیوستگی و همبستگی پدیده های گوناگون در جوامع و بازنگرشی سیستمی، برنامه ریزی جامع اقتصادی - اجتماعی عالی ترین و دقیقترین دستاورد علمی بحساب می آید. در فرایند برنامه ریزی کلی در یک جامعه معین، برنامه ریزی جامع آموزشی - علمی و پژوهشی بعنوان عنصر پایه ای و اساسی از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

عوامل برونی و درونی

بدون ورود به بحث مربوط به تأثیرات عوامل بین‌المللی، باید اذعان داشت که هر نظام آموزشی - علمی و پژوهشی در محدوده یک کشور تحت تأثیر دوسری عوامل درونی و برونی قرار دارد. عوامل برونی مؤثر در نظام آموزشی - پژوهشی عبارتند از:

مشخصات، گرایشها و شاخصه‌های جمعیتی - ساختار اقتصادی و نیازمندی‌های تولیدات ملی و ویژگی‌های نیروی کار - ماهیت و خصوصیات نظام سیاسی - بنیه و امکانات مالی و فیزیکی - ساخت و بافت درونی نظام اداری و اجرایی - ارزشهای اجتماعی، فرهنگی و مذهبی و ویژگیهای مجموعه وسائل ارتباط جمعی.

عوامل درونی نظام آموزشی - علمی و پژوهشی را عناصر زیرین تشکیل میدهند:

ویژگیهای نظام رسمی آموزش و پرورش (آموزش‌های کودکان، دبستانی، راهنمایی و متوسطه) نظام آموزشهای عالی و سازمانهای وابسته. مؤسسات و مراکز تحقیقاتی - آموزشهای سوادآموزی - آموزشهای مراکز نظامی - آموزشهای محلی، بومی و منطقه‌ای - امور آموزشی - پژوهشی سازمانها، مؤسسات و کارخانجات و ... در تحلیل نهائی ویژگیهای نظام آموزشی - علمی و پژوهشی در سطح ملی باید مجموعه عوامل برونی و درونی فوق‌الذکر (با توجه به کمیت و کیفیت عملکرد عامل) را بصورت اجزاء و عناصر تشکیل دهنده یک نظام بهم پیوسته ملاحظه نظر قرارداد. تفکیک عناصر یادشده و تبیین یا تفسیر ساخت و عملکرد جداگانه هر یک، برداشتی غیرعمای و انتزاعی خواهد بود.

در نظام برنامه‌ریزی جامع اقتصادی - اجتماعی که فرایند رشد و توسعه همه‌جانبه جامعه را نتیجه خواهد داد، یک عنصر اساسی و ریشه‌ای وجود دارد و آن نظام جامع برنامه‌ریزی آموزشی - علمی و پژوهشی است.

تحقق نظام جامع برنامه ریزی آموزشی - علمی و پژوهشی در کشور باید بتواند امکانات بالقوه مجموع عوامل برونی و درونی (که قبلاً تشریح شدند) را در یک تجمع پویا و هماهنگ با یکدیگر مرتبط ساخته و بالفعل نماید.

ضرورت و اهمیت نظام برنامه ریزی کامل در جامعه و برنامه ریزی آموزشی - علمی و پژوهشی بدلائیل زیر توجیه میشود:

(۱) پدیده های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نهادهای آموزشی - پژوهشی به عنوان سیستمهای کوچک در کل جامعه به صورتی متقابل در یکدیگر تأثیر می گذارد و از همدیگر تأثیر می پذیرند و در یک نگرش جامع قابل تبیین و تفسیر اند. تفکیک و تحلیل جدا گانه این عناصر - بدون توجه به همبستگی و تأثیرات متقابل آنها یمناب به یک کل واحد و یک پارچه در بستر عام جامعه، صرفاً عدلی ذهنی و غیر علمی می باشند.

(۲) ماهیت و سرشت عناصر متشکله نظام آموزشی - پژوهشی بگونه ای است که در یک فرایند طولیل و دراز مدت نمود و بروز می کند و نتیجه می دهند.

به عبارت دیگر نتایج اصلاحات، دگر گونیها و نوآوریهای آموزشی - پژوهشی در یک دوره نسبتاً طولانی و با تلفیقی از اسلوب جامع و سیستمی و بررسی های جزئی قابل ارزش یابی است و اثرات عینی و مشخص آن را می توان درک کرد.

(۳) از طریق برنامه ریزی جامع آموزشی - پژوهشی در سطح ملی می توان برنامه های مختلف اجراء درونی این نظام را هماهنگ نمود و امکانات و منابع گوناگون مورد نیاز اینگونه برنامه ها (نظیر امکانات مالی، تجهیزات و امکانات فیزیکی و منابع انسانی) را بر حسب الویتها و نیازهای مبرم هر یک از بخشها و اجزاء از یک طرف و کل جامعه از طرف دیگر به درستی تقسیم نمود و تخصیص داد.

(۴) برنامه ریزی جامع آموزشی - پژوهشی در عین حال، از پراکنندگی و بی ثمری برنامه های محدود جلوگیری کرده و اتلاف منابع مالی و انسانی را

به حد اقل ممکن کاهش می دهد.

۵) برنامه ریزی جامع و درازمدت آموزشی - پژوهشی، همچنین نظر گاه دولت در تسلط بر عرصه ها و زمینه های مختلف آموزشی و تحقیقاتی در سطح ملی را تقویت می کند و تعیین حدود سهم اعتبارات مالی آن را در کل بودجه عمومی (و تولید ناخالص ملی) در یک دوره طولانی تسهیل می کند و امر هماهنگی، سازماندهی، نظارت، کنترل و پیگیری دولت در فرایند برنامه ریزی جامع آموزشی و پژوهشی و برنامه ریزی کلی کشور را ممکن می سازد.

نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات و راه حل های اصولی

رشد و ترقی - علمی - تکنولوژیکی و گسترش فرهنگ پژوهش و پایه ریزی زیر بنای لازم علمی آموزشی و تحقیقاتی که موتور اصلی تحقق فرایند رشد و توسعه همه جانبه جامعه ایران می باشد، به یک سری تمهیدات و برنامه ریزی و به یک مجموعه اقدامات اساسی نیازمند است که به صورت اجمالی ذیلا به آنها می پردازیم:

الف- اقدامات اساسی

- ۱- نظام جامع آماری: پایه ریزی یک سیستم آمار و اطلاعات جامع، به هنگام و در نهایت یک بانک اطلاعاتی مکانیزه شامل اطلاعات لازم در کلیه زمینه های اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی، صنایع، کشاورزی، معادن، ساختمان و مسکن، خدمات، آموزش و فرهنگ، بهداشت و حساب های ملی.
- ۲- تغییرات بنیادی در نظام اداری - اجرایی کشور از آن جهت که کلیه وزارتخانه ها و تعداد قابل توجهی از مؤسسات اقتصادی، صنعتی و خدماتی بطور مستقیم یا غیر مستقیم زیر پوشش دولت قرار دارند و از اینرو بخش وسیعی از نیروی انسانی شاغل را در بردارند، ضروری و لازم است.

انجام تغییرات ریشه‌ای در نظام اداری کهن و فرایند اجرایی در کلیه بخش‌های دولتی و وابسته به دولت و دیگر گونی و اصلاحات بنیادی در ساخت درونی و مشخصات تشکیلاتی و طرد قوانین و مقررات دست‌وپاگیر - اصلاحات در ضوابط و مقررات پرسنلی به مفهوم وسیع و موزون و هماهنگ نمودن طرح‌های طبقه‌بندی و ارزش‌یابی مشاغل، تغییرات لازم در نظام حقوق و دستمزد و هماهنگی آن با سطح هزینه‌های عمومی - تدوین مقررات جدید استخدامی، گسترش تسهیلات خدماتی و رفاهی - تدوین طرح جامع جهت جذب نگهداری، تجهیز و آموزش نیروی انسانی در سطوح مشاغل مختلف - پایه‌ریزی نظام نوین آموزش سرپرستی و مدیریت منطبق با ضرورت‌ها و ارزش‌های فرهنگی و معنوی جامعه امری حیاتی است.

۳- تعیین سیاست‌های دولت در رابطه با تعیین حدود و ثغور و چهارچوب حقوقی نظام اقتصادی بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی و تعیین سیاست‌های کارآمد و سازنده در عرصه‌های مالی، ارزی و پولی.

۴- روشن نمودن مختصات استراتژیک برنامه‌ریزی کلی کشور در راستای تحکیم زیربنای نوین اقتصاد صنعتی با محوریت بخش کشاورزی و انجام تعديلات و هماهنگی‌های لازم در بخش خدمات از اقدامات اساسی بحساب می‌آید.

۵- در رابطه با پی‌ریزی نظام پویای برنامه‌ریزی جامع اقتصادی - اجتماعی در جامعه ایران، یکی از اقدامات اساسی اینستکه با مطالعات و بررسی‌های همه‌جانبه‌میتوان و باید تغییرات ژرفی در ساختار بخش‌های صنعتی و تولیدی موجود در راستای بهره‌گیری هرچه بیشتر از امکانات و ظرفیتهای بالقوه آنها (فیزیکی، مالی و نیروی انسانی) انجام داد و کارآئی و بازدهی را به حداکثر سطح ممکن افزایش داد.

این سیاست تغییر ساختار برنامه‌ریزی، در این شرایط هم از نظر کاهش وابستگی به تکنولوژی (و لوازم‌بدکی) کشورهای خارج و هم از حیث تقلیل بار ارزی دولت حائز اهمیت فراوان است، مسئله‌ای که به مطالعات علمی و تحقیقاتی گسترده نیازمند می‌باشد.

ب- نارسائی‌های نظام پیشین در عرصه‌های آموزشی و پژوهشی

عمده‌ترین خصوصیات نظام‌های آموزشی-پژوهشی در اغلب کشور-
های در حال توسعه و از جمله در رژیم گذشته ایران را مختصراً بقرار
زیر میتوان بیان داشت:

۱- چارچوب برنامه‌های آموزشی در نظام‌های رسمی آموزشی این
جوامع، در توجیه و تبیین علمی و دقیق جهان پیرامون ناتوان بوده و در ایجاد
انگیزش در افراد برای تغییر آن بی‌بنیه و ناتوان است.

۲- شالوده نظام آموزش و پرورش در بسیاری از این کشورها بر پایه
نابرابری و تبعیض مطلق استوار بوده و توزیع این بی‌عدالتی در مناطق
روستائی بیشتر از شهرها، در بین زنان فزون‌تر از مردان و در میان کارکنان
یدی بیشتر از شاغلین در مشاغل فکری است.

۳- نظام آموزشی و پژوهشی در اینگونه کشورها از محتوای عامی‌چندان
بهره‌مند نیست و دانش‌آموز، دانشجو و کارآموز را برای خلاقیت، ابتکار،
نوآوری و شوق به سازندگی و ایجاد همبستگی اجتماعی مهیا نمی‌سازد.

۴- نظام آموزشی-پژوهشی در جوامع جهان سوم، ارتباط مستقیم
و مستحکم بین علوم محض و پایه و کاربرد آن در عرصه عمل «یعنی تکنولوژی»
برقرار نمی‌سازد و بین تئوری و عمل، مدرسه و دانشگاه و جامعه و فعالیتهای
مختلف زندگی اجتماعی پیوندی بوجود نمی‌آورد.

۵- تعلیم و تربیت، در این کشورها عمدتاً از خصلت پویا و آگاهی-
دهنده و فعال که ضرورت مبرم دنیای متحول کنونی است عاری و تهی بوده
و در تکامل قوای فکری، جسمی، اخلاقی و روحی انسانها در راستای ایجاد
گری، سازندگی و عدالت‌خواهی ناتوان میباشد.

۶- ضعف مضمونی و ساختاری نظام‌های آموزشی جوامع در حال
رشد، چنان است که حتی از حل ابتدائی‌ترین و درعین حال اساسی‌ترین
وظیفه خود یعنی رفع بیسوادی و زدودن این ننگ دوران توحش عاجز
مانده‌اند.

۷- نظام آموزشی-پژوهشی این کشورها در تعمیم و گسترش کمی و

کیفی آموزشهای حرفه‌ای و فنی و آموزشهای تخصصی در مؤسسات و سازمانهای تولیدی - صنعتی (آموزشهای قبل و ضمن خدمت کارگران، کارمندان، تکنسین‌ها و مدیران) از یکسو و آموزشهای تخصصی سطوح عالی و هماهنگی آن با نیازهای واحدهای اقتصادی و فنی از دیگر سو دچار ضعف ریشه‌ای است.

ناتوانی ساختار آموزشی - پژوهشی در تربیت نیروی انسانی متخصص، مبتکر و کاردان و عدم تحقق زیربنای مستحکم علمی - فنی در این کشورها در عین حال امکان بهره‌گیری از تکنولوژی وارداتی توسط نیروی انسانی داخلی را به حداقل میرساند و زمینه را برای ورود نیروهای متخصص خارجی همراه تکنولوژی به این جوامع، مهیا ساخته و بعد وابستگی را نیز تشدید مینماید.

۸- پژوهش‌های علمی در بخشهای مهم و زیربنایی اقتصادی وابسته به دولت (نظیر صنعت آب و برق، نفت، مخابرات، ذوب فلزات، صنایع سنگین و...) فوق‌العاده ضعیف و در بخشهای خصوصی کاملاً مورد بسی‌مهری و فراموشی است.

۹- عدم وجود یک نظام جامع برنامه‌ریزی اقتصادی - اجتماعی و مهمترین عنصر آن یعنی نظام جامع آموزشی - پژوهشی در این جوامع از مهمترین و گره‌ای‌ترین ضعف‌ها و مشکلات و نارسائیه‌ها بحساب می‌آید. اشاره به برخی ثمرات منفی و پدیده‌های نامطلوب و ناهنجار اجتماعی رژیم گذشته ایران در طول برنامه‌های اول، تا پنجم عمرانی (از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۵۶) ناتوانیها و ضعف‌های بنیادی نظام برنامه‌ریزی و سیاستهای نادرست آنرا بخوبی روشن مینماید:

تداوم بیسوادی در جامعه (قریب ۵۳٪ از جمعیت ۷ ساله بی‌الا در سرشماری ۱۳۵۵ بی‌سواد بوده‌اند) - توزیع نامتناسب فرصت‌های آموزشی (۳/۹ میلیون نفر بی‌سواد روستائی یعنی ۳/۷۰٪ از جمعیت ۷ ساله بی‌الا - ۵/۸۳٪ بی‌سواد زن در مناطق روستائی در سال ۱۳۵۵).

نابودی کشاورزی - بیکاری توده‌های روستائیان - عدم وجود حداقل

امکانات زندگی و رفاه اجتماعی در روستاها و مهاجرت بی رویه آنان - تراکم جمعیت شهرها و شکل گیری و گسترش پدیده‌های ناباب اجتماعی (نظیر: فحشاء، دزدی، اعتیاد، بزهکاری جوانان و...).

مشکلات اقتصادی از جمله تورم - افزایش قیمت‌ها (بویژه بعد از برنامه پنجم سالهای ۵۲ تا ۵۶) - افزایش بی رویه بخش خدمات - تراکم پول در بین اقشار قلیلی از جامعه - گسترش فقر و محرومیت و پدیده‌های نامطلوب اجتماعی و فرهنگی.

ضرورت پایه‌ریزی نظام نوین آموزشی - علمی و پژوهشی در کشور

تحکیم پایه‌های علمی - فنی و ترویج و گسترش فرهنگ پژوهش و تحقیق بعنوان فعالیتی اجتماعی در ساختار فکری، فرهنگی و اجتماعی جامعه در عین حال مستلزم مهیا نمودن شرایط همه جانبه و رفع معضلات و مشکلات موجود در کشور میباشد و در این راستا اقدامات زیر ضروری است:

۱- به عنوان اقدامی اصولی و به مثابه یکی از عناصر مهم در مجموعه برنامه‌ریزی آموزشی و پژوهشی جامعه ایران، تلاش پیگیر برای زدودن کامل پدیده نامطلوب بیسوادی و گسترش و تعادل امر سوادآموزی در مناطق شهری و روستائی از اهم امور محسوب می‌شود.

۲- اقدام به یک سلسله فعالیت‌های پر دامنه و گسترده در سطح جامعه برای جایگزینی ارزش‌های نوین و انقلابی در ساختار فرهنگی جامعه، به منظور پایه‌ریزی تفکرات علمی و ایجاد روحیات قوی و نگرش‌های اصولی به مجموعه مسائل و پدیده‌های داخلی و جهانی و جلب مشارکت طیف‌های وسیعی از گروهها و اقشار اجتماعی در عرصه عمل آگاهانه و ایجاد انگیزه‌های مثبت در بافت جامعه دارای اهمیت اساسی است.

۳- از دیگر اقدامات لازم در جامعه کنونی ایران که مکانیسم و پتانسیل لازم جهت غلبه بر تنگناها و عقب ماندگی‌های دوران پیشین در بطن جامعه را فراهم خواهد کرد، همانا مهیا نمودن شرایط دلپذیر و شادی بخش در محیط‌های کار و ایجاد گرایش مردم به سوی کار خلاق و سازنده است. این مهم با ارتقاء سطح فرهنگ اجتماعی و امکان بهره گیری همگان از

نتایج و دستاوردهای علمی، فنی و فرهنگی و رشد صفات والای انسانی و اصول برجسته اخلاقی، مذهبی و معنوی جامعه که نطفه‌های تعهد و تعلق به سازندگی و ترفی در مردم را پرورش و تکامل خواهد داد میسر و ممکن خواهد بود.

۴- ایجاد انگیزش لازم بر پایه مبانی ملی، میهنی و مذهبی در افراد کشور و ایجاد شوق در نوجوانان و جوانان و سایر اقشار جامعه در گرایش به کارهای پژوهشی، تحقیقاتی، ابداع و اختراع و نوآوری و فراهم نمودن شرایط لازم و ضروری در این رابطه اهمیت بسزائی دارد.

۵- کلیه اقدامات فوق‌الذکر، ضرورتاً و منطقیاً به موازات اقدامات عملی و مشخص در تأمین رفاه اجتماعی و برآوردن نیازهای عموم مردم «نیازهای مادی و معنوی» و اجرای برنامه‌های دقیق در تأمین اشتغال کامل، زدودن فقر و محرومیت و رفع پدیده‌های ناهنجار اجتماعی در سطح جامعه باید انجام پذیرد.

۶- در تحقق مجموعه اقدامات فوق‌الذکر نقش بسیج‌کننده و آگاهی‌گرانه مجموعه وسائل ارتباط جمعی در سطح جامعه نظیر: رادیو تلویزیون، مطبوعات و سایر مراکز انتشاراتی و تبلیغاتی بسیار سازنده و با اهمیت می‌باشد.

ایجاد مرکز مطالعات و هماهنگی برنامه‌ریزی‌های آموزشی-علمی و پژوهشی

به منظور تحقق اقدامات و اصلاحات اساسی فوق‌الذکر پایه‌ریزی نظام نوین آموزشی-علمی و پژوهشی به عنوان عنصر مرکزی نظام جامع برنامه‌ریزی کلی کشور از اهمیت اساسی و استراتژیک برخوردار است. در این راستا سازماندهی واحدهای يك واحد تشکیلاتی و يك ارگان نوینی در ساختار تشکیلات اداری-اجرایی دولت (ویا با تلفیق و ادغام واحدها و مؤسسات موجود که احتمالاً در این مسیر اقدام می‌کنند) با قدرت تصمیم‌گیری در سطح ملی و توان‌اجرایی، مدیریت و بنیه مالی و امکانات فیزیکی مطلوب، ابزار و تجهیزات گسترده و نیروی انسانی متخصص و کارآمد، لازم، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

این ارگان و مرکزیت جدید با مختصات و ویژگیهای یادشده، امر هماهنگی، سازماندهی، برنامه‌ریزی و نظارت، کنترل و هدایت کلیه فعالیت‌های علمی، آموزشی، پژوهشی و تحقیقاتی کشور را در سمت اهداف استراتژیک توسعه جامع اقتصادی-اجتماعی عهده‌دار خواهد بود.

این نهاد وارگان نوین را میتوان تحت نام مناسبی از جمله مرکز مطالعات و هماهنگی برنامه‌ریزی‌های آموزشی-علمی و پژوهشی کشور نامید. مغز متفکر و هسته اصلی این ارگان نوین را نیروی انسانی آن تشکیل میدهد که باید از بین متخصصین، برنامه‌ریزان، اقتصاددانان، جامعه‌شناسان، روانشناسان، مهندسیین، تکنوکرانها، محققین، کارشناسان و مدیران مجرب انتخاب گردند.

ماهیت و مضمون فرایند تحقیق و پژوهش، یک فعالیت و فرآورده اجتماعی است.

گسترش فرهنگ پژوهش در بافت اجتماعی و فرهنگی یک جامعه، پروسه بفرنج و پیچیده‌ای است که در یک برنامه‌ریزی همه‌جانبه و درازمدت امکان تحقق دارد.

تفکیک اجزاء و عناصر نظام پژوهش به تحقیق و بررسی جداگانه هر یک از آنها از شیوه علمی بررسی پدیده‌های اجتماعی بدوراست و در این مسیر جستجوی راه‌حلهای منطقی و رفع مشکلات امکان‌پذیر نخواهد بود. مثلا بررسی چگونگی ایجاد انگیزه تحقیق - جذب استعدادهای خلاق - بررسی مشکلات محققین - امکانات فیزیکی و تجهیزات و منابع مالی مورد نیاز - مشکلات اجرایی تحقیق - بررسی امر تحقیق در بخشهای مختلف صنعتی، کشاورزی، ساختمان، انرژی، صادرات و واردات - و یا تحلیل ساختار نسکیلاتی مؤسسات تحقیقاتی - پایه‌ریزی نظام اطلاعاتی و ارتباطات درونی و بین‌المللی در عرصه تحقیقات و غیر آن را باید در یک مجموعه بهم-پیوسته و سیستماتیک مطمع نظر قرارداد نه تحلیل جداگانه و انتزاعی هر یک از این عناصر.

بدیهی است تجزیه و تحلیل هر یک از این اجزاء و مطالعه جوانب هر

عصری از عناصر فوق‌الذکر لازم است، اما کافی نیست. این بررسی‌ها باید در ارتباط با کل نظام اقتصادی-اجتماعی و سیاسی هر جامعه از یک سو و در رابطه با عملکردشان در کل نظام آموزشی-علمی و پژوهشی از دیگر سو مورد ارزیابی و تحلیل قرار گیرند.

وظایف کلی مرکز مطالعات و هماهنگی برنامه‌ریزی‌های آموزشی-علمی و پژوهشی

الف: در عرصه برنامه‌ریزی‌های آموزشی-پژوهشی

- ۱- هماهنگی و کنترل بر کلیه فعالیتهای آموزشی مابین دانشگاهی (با مشارکت کارشناسان ذیربط) بمنظور ارتقاء کیفی آن.
 - ۲- هماهنگی، کنترل و نظارت در امر برنامه‌ریزی کلیه اقدامات آموزشی و پژوهشی دانشگاهها و مراکز عالی آموزشی-تحقیقاتی کشور.
 - ۳- برنامه‌ریزی بمنظور هماهنگ نمودن کلیه فعالیتهای آموزشی و تحقیقاتی در وزارتخانه‌ها، مؤسسات و سازمانهای دولتی با مجموعه برنامه‌های آموزشی-علمی و پژوهشی رسمی در سطوح متوسطه و عالی کشور.
- بدین جهت ایجاد ارتباط مستقیم بین واحدهای آم-وزشی-پژوهشی سازمانها و مؤسسات دولتی و بخش خصوصی و این مرکز و تدوین ضوابط و مقررات و محملهای ضروری قانونی و حقوقی در این رابطه لازم و ضروری است.
- ۴- مرکز به‌عنوان اصلی‌ترین و ذیصلاح‌ترین ارگان دولتی بمنظور برقراری ارتباط با سایر مراکز و مجامع آموزشی-علمی و تحقیقاتی سایر کشورها و سازمانهای ذیربط بین‌المللی محسوب خواهد شد.

ب: در عرصه نیروی انسانی

- ۱- انجام طرحهای مطالعاتی بیه منظور گسترش فرهنگ پژوهش و تحقیق در بافت فرهنگی و اجتماعی کشور با بهره‌گیری از کلیه امکانات.

- ۲- برنامه‌ریزی‌های لازم جهت ایجاد انگیزه‌های ضروری در بین نوجوانان و جوانان (دانش‌آموز و دانشجو) و سایر اقشار مردم در گرایش به امر تحقیق و پژوهش.
- ۳- تدوین، طراحی و اجرای برنامه‌های لازم در سطح کشور به منظور حمایت مادی و معنوی از محققین، مخترعین و مبتکرین.
- ۴- تدوین و نظارت بر چگونگی استفاده از محققین خارجی. (از طریق طرح‌های ذیربط).
- ۵- بررسی چگونگی بهره‌گیری از استعدادهای دانش‌آموزان و دانشجویان مبتکر در امر تحقیقات با تدوین و ارائه و اجرای طرح‌های ذیربط.
- ۶- انجام مطالعات همه‌جانبه در مسائل مربوط به نیروی انسانی در عرصه‌های تحقیقات در کشور.

ج : در عرصه تبادل اطلاعات علمی-فنی و طرح‌های تحقیقاتی

- ۷- همکاری مستقیم در طراحی و اجرای پروژه‌ها و طرح‌های تحقیقاتی در کلیه عرصه‌های فعالیت‌های تولیدی، صنعتی و خدماتی با هماهنگی و همکاری مستمر و نزدیک با کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات تولیدی و صنعتی و خدماتی.
- ۸- پایه‌ریزی یک نظام اطلاعات علمی-فنی جامع و امکان دسترسی کلیه محققین و کارشناسان و برنامه‌ریزان به آن و ارتباط مستقیم با بانک‌های اطلاعاتی در سایر مراکز علمی، آموزشی و سازمان‌ها و مؤسسات اقتصادی-اجتماعی کشور.
- ۹- برنامه‌ریزی هماهنگ به منظور استفاده متناسب و منطقی از امکانات و فرصت‌های مطالعاتی و بورس‌های آموزشی-پژوهشی در داخل و خارج کشور.
- ۱۰- ایجاد تسهیلات لازم به منظور شکل‌گیری انجمن‌های علمی و تحقیقاتی در سطح کشور.
- ۱۱- هماهنگی و برنامه‌ریزی کلیه سمینارها، کنفرانسها، نمایشگاهها و گردهمایی‌های علمی-تحقیقاتی در سطح کشور و سایر کشورها.
- ۱۲- انجام طرح‌های مطالعات تطبیقی و مقایسه‌ای در رابطه با ساخت

و عملکرد نظام آموزشی - علمی و پژوهشی کشور در ارتباط با کیفیت چنین مراکزی در دیگر کشورهای در حال توسعه و جوامع صنعتی و نقد و بررسی ارزشیابی مستمر کلیه فعالیت‌ها، به منظور بهبود روش‌ها و اسلوب‌های مربوطه.

د: نظام اجرایی و تشکیلاتی

به منظور انجام دقیق مجموعه وظایف فوق‌الذکر (و احتمالاً سایر وظایفی که باید به این مرکز سپرده شود)، بررسی و طراحی یک چارت تشکیلاتی مناسب و کارآور ساختار نظام تشکیلاتی دولت از مهمترین اقدامات به حساب می‌آید.

نظام تشکیلاتی این مرکز باید در هسته مرکزی نظام اجرایی کشور قرار گیرد و از قدرت تصمیم‌گیری، کنترل و نظارت کاملی برخوردار بوده و از اعتبارات پولی و ارزی قابل توجهی بهره‌مند باشد. ساختار تشکیلاتی، سازماندهی، مدیریت و نیروی انسانی این مرکز باید بگونه‌ای باشد که توان انجام وظایف مهم و استراتژیک محوله را از همه نظر داشته باشد.

بدون تردید در طراحی و پیاده کردن چنین امر خطیر و حساسی، مشارکت طیف وسیعی از صاحب‌نظران، کارشناسان، اقتصاددانان، جامعه‌شناسان، روانشناسان، برنامه‌ریزان، مدیران و... ضروری و لازم خواهد بود که در گردهمائی‌های متعدد به این مهم پردازند.

رساله علم علوم انسانی